

سخنان معتزله و اشاعره از جمله ابن‌ابی‌الحدید و قوشچی درباره امامت، که در ۱۳۲۰ در بمبئی چاپ شد (همان، ج ۲۲، ص ۲۴۴)؛ قامعة اهل‌الباطل در دفاع از عزاداری امام حسین علیه‌السلام (چاپ بمبئی - همان، ج ۱۷، ص ۱۵)؛ واسطة‌العقد الثمین (همان، ج ۲۵، ص ۱۱).

منابع: محمد محسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ همو، طبقات اعلام‌الشیعة، جزء ۱: نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد ۱۴۰۲؛ محسن امین، اعیان‌الشیعة، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ عبدالحسین امینی، شهداء الفضیلة، قم ۱۳۵۲؛ علی‌بن حسن بحرانی، انوار‌البدرین فی تراجم علماء القطیف والاحساء والبحرین، چاپ محمدعلی محمدرضا طبسی، نجف ۱۳۷۷، چاپ اقس ق ۱۴۰۷؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت ۱۹۸۶؛ علی فاضل قائینی نجفی، معجم مؤلفی‌الشیعة، تهران ۱۴۰۵؛ عمر رضا کحاله، معجم‌المؤلفین، بیروت [تاریخ مقدمه ۱۳۷۶].

/ رضا هاشمی /

بحرانی، فخرالدین احمد بن عبدالله - ابن‌المتوّج، فخرالدین احمد بن عبدالله

بحرانی، کمال‌الدین احمد بن علی بن سعید بن سعاده سُرّاوی، محقق و متکلم شیعی قرن هفتم. در قریه ستره (یک‌ونیم فرسخی جنوب مَنامَه) به دنیا آمد. از معاصران خواجه نصیرالدین طوسی بود و پیش از او درگذشت و در زادگاهش دفن شد (فسابی، ج ۲، ص ۱۲۶۵). شاگرد او، علی‌بن سلیمان بحرانی، (علی‌بحرانی، ص ۶۰) وی را «لسان‌الحکماء و المتکلمین» می‌خوانده و از اینکه به توفیق الهی از چنین استادی بهره‌مند شده، خرسند بوده است (سلیمان بحرانی، ص ۹۲؛ امین، ج ۳، ص ۴۴-۴۳). بحرانی از شیخ نجیب‌الدین محمد سوراوی، شیخ روایت سید بن طاووس، و همچنین به واسطه شیخ نجیب‌الدین یحیی بن محمد یحیی سزاوی (ظاهراً سوراوی - همان، ج ۱۰، ص ۳۰۳) از شیخ حسین (حسن) بن هبة‌الله بن رطبه سوراوی (از مردم سوراو عراق)، فقیه امامی قرن ششم، روایت می‌کند (سلیمان بحرانی، ص ۶۸؛ امین، ج ۵، ص ۳۹۰، ج ۶، ص ۱۹۰). تنها اثر به جا مانده از او، رسالة‌العلم است که آن را به خواهرش علی‌بن سلیمان بحرانی تألیف کرده، و او نیز کتاب را نزد خواجه نصیرالدین طوسی فرستاد و از او خواست که آن را شرح کند. خواجه با بزرگداشت مؤلف، رساله را به صورت «قال... اقول» شرح، و در بعضی موارد نیز مطالب آن را رد کرده است (افندی اصفهانی، ج ۱، ص ۵۲).

برخی از تراجم‌نویسان احتمال داده‌اند که این رساله را شیخ

بی‌تا؛ عمر رضا کحاله، معجم‌المؤلفین، بیروت [تاریخ مقدمه ۱۳۷۶].
/ محمدرضا انصاری /

بحرانی، علی بن عبدالله بن علی ستری (منسوب به ستره یا ستار، ناحیه‌ای در بحرین)، از فقها و مراجع تقلید امامی بحرین و شبه جزیره عربستان در قرن سیزدهم و چهاردهم. در بحرین زاده شد (بحرانی، ص ۲۳۶؛ زرکلی، ج ۴، ص ۳۰۸؛ کحاله، ج ۷، ص ۱۲۷) و در زمان حیات پدرش که از فقهای بحرین بود (بحرانی، ص ۲۳۶، ۲۳۸) به مطرح* در نزدیکی مسقط کوچ کرد. در اقامت طولانی خود در آنجا به ارشاد و راهنمایی اهالی، بویژه طایفه حیدرآبادیه، و مطالعه و تصنیف پرداخت (همان، ص ۲۳۶؛ امینی، ص ۳۴۱؛ زرکلی، همانجا) و در آنجا مرجع تقلید شد (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۳۰۵؛ زرکلی، همانجا). در اواخر عمر ناچار به ترک مطرح شد (بحرانی، همانجا) و در بندرلنگه اقامت گزید. بحرانی در ۱۳۱۹ (یا ۱۳۱۸) مسموم و شهید شد (امینی، همانجا؛ بحرانی، ص ۲۳۶-۲۳۷؛ زرکلی، همانجا؛ کحاله، ج ۷، ص ۱۳۷-۱۳۸؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۷۷، ج ۲، ص ۳۳۰، ج ۱۸، ص ۳۰۵، ج ۲۲، ص ۲۴۴؛ همو، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۴، ص ۱۴۷۲؛ امین، ج ۸، ص ۲۶۸؛ قائینی نجفی، ص ۵۹).

ظاهراً تنها استادی بحرانی پدرش بوده است (بحرانی، ص ۲۳۸؛ امینی، همانجا). به نوشته حسن بحرانی، وی در زمینه تاریخ، حدیث، شعر و ادب حافظه‌ای سرشار و اطلاعاتی وسیع داشت و هرچند دوران تحصیلش طولانی نبود، در پرتو حافظه، استعداد، مطالعه مستمر و تصنیف و تدریس، به چنان مقام علمی والایی دست یافت که دانشمندان به متنايش او برخاستند (۲۳۸-۲۳۹؛ امینی، همانجا).

در منابع، کتابها و آثار متعدد کلامی و فقهی او را نام برده‌اند (همان، همانجا؛ امینی، ص ۳۴۲؛ بحرانی، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۴، ص ۱۴۷۱؛ زرکلی، همانجا؛ کحاله، ج ۷، ص ۱۳۸؛ قائینی نجفی، همانجا). از جمله: لسان‌الصدق که در ۱۳۰۶ رد بر کتاب «میزان‌الحق» از کشیش و مبلغ معروف مسیحی نگاشته و در ۱۳۰۷ در بمبئی چاپ شده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۳۰۵-۳۰۶)؛ الاجوبة‌العالية للمسائل‌المسقطية کتاب جامع فقهی و فتوایی او که به همت شاگرد و خواهرزاده‌اش احمد بن محمد بن احمد بن سرحان بحرانی و به ترتیب کتب فقهی گردآوری و در ۱۳۱۶ چاپ شد (همان، ج ۱، ص ۲۷۷؛ بحرانی، ص ۲۳۸) و میرزا محمدتقی شیرازی* حاشیه‌ای فتوایی بر آن زده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، همانجا؛ منارالهدی فی اثبات امامة ائمة‌الهدی (یا: فی اثبات‌النص علی‌الائمة‌الامناء) در نقد

کمال‌الدین میثم بحرانی، به درخواست خواجه نصیرالدین طوسی، شرح کرده باشد، یا علاوه بر شرح خواجه نصیرالدین، میثم بحرانی نیز شرحی بر آن نوشته باشد (علی بحرانی، ص ۶۱). این رساله، حاوی یازده اصل و ۲۴ مسئله متفرع بر آنهاست. مؤلف، آرای متکلمان اشعری و معتزلی و موارد وفاق و خلاف آنان را در مسایل متنوعی، چون تعریف علم و تقسیم آن به فعلی و انفعالی، آورده و از علم باری (علم فعلی)، بحث کرده و به مناسبتی، قول معتزله را در باب حقایق ثابتۀ نقد و رد کرده است.

در مسئله دهم، به جزئیات علم باری پرداخته و ضمن تحقیق درباره آن، از آرای متکلمان فاصله گرفته و نظر حکمای مشاء را - که علم خداوند به جزئیات را بر وجه کلی می‌دانند - تأیید کرده است (- نصیرالدین طوسی، ص ۳۸؛ برای تفصیل بیشتر - علم باری*).

منابع: عبدالله بن عیسیٰ افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱؛ محسن امین، اعیان الشیعة، بیروت ۱۳۸۳/۱۴۰۳؛ سلیمان بن عبدالله بحرانی، فهرست آل بابویه و علماء البحرین، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۴؛ علی بن حسن بحرانی، انوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الاحساء و البحرین، چاپ محمدعلی محمدرضا طوسی، نجف ۱۳۷۷، چاپ افت ق ۱۴۰۷؛ محمد بن محمد نصیرالدین طوسی، شرح مسئله العلم، چاپ: عبدالله نورانی، مشهد ۱۳۴۵ ش.

/ سیف‌الدین محمدی /

بحرانی، کمال‌الدین علی بن سلیمان بستراوی، عالم و فیلسوف امامی نیمه نخست قرن هفتم. سیدحیدر آملی او را در زمره علمایی آورده است که عرفان را برتر از دیگر راههای شناخت، شمرده‌اند (ص ۴۹۸). از زندگی او اطلاع زیادی در دست نیست، اما چنانکه از نسبت ستراوی برمی‌آید، در شهر ستره، در یکی از جزایر کوچک بحرین، زندگی و تحصیل کرده است. تنها استاد شناخته شده او، کمال‌الدین احمد بن علی بن سعید بن سعاده بحرانی*، همچو خود او، از متکلمان و فیلسوفان امامی مذهب بود و مدفن هر دوی آنها در شهر ستره است. بحرانی از طریق این استاد، سلسله استادی خود را در حدیث شیعه با چهار واسطه به شیخ طوسی* رسانده است (ابن ابی‌جمهور، ج ۱، ص ۱۲).

وی همچنین ۲۴ پرسش درباره علم الهی به استادش عرضه داشته که پس از وفات او، آنها را همراه با پاسخهای مختصر استاد و اظهارنظرهای خود، به خواجه نصیرالدین طوسی (احتمالاً پس از عزیمت از الموت در ۶۵۴) تقدیم کرده است. اظهارنظرهای طوسی درباره این پرسش و پاسخها، امروزه در

دست است (دانش‌پژوه، ج ۳، بخش ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱، بخش ۴، ص ۲۵۶۱-۲۵۶۲، مدرسی زنجان، ص ۲۱۳-۲۱۶). بحرانی، استاد کمال‌الدین میثم بن علی بحرانی [مشهور به ابن میثم* بحرانی] (متوفی بعد از ۶۸۱) بود. علامه حلی* آثار او را نزد فرزندش، حسین، خواند و اجازه روایت گرفت. او آثار بحرانی را نیکو شمرده و آگاهی را به علوم عقلی و قواعد حکمی تأیید کرده است (- مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۶۵). آثار شناخته شده بحرانی عبارت است از: ۱) الاشارات، درباره وجود غیب، نبوت و ولایت. ظاهراً این کتاب همان اشارات الواصلین الی علوم العمیان و تنبیهات اهل العیان من ارباب البیان است که ذیل کتاب کشف الاسرارالایمانیه و هتک اسرار الخطایه او آمده (آقابزرگ طهرانی، ج ۲، ص ۹۶، ۹۸) و [ابن] میثم بحرانی، شرحی بر آن نوشته است (همان، ج ۱۳، ص ۹۱، مدرس رضوی، ص ۲۱۴؛ ۲) معراج السلامة و منهاج الکرامه که در آن آرای یکی از علمای معاصر خود را، بی ذکر نام او، درباره وجود واجب‌الوجود شرح کرده است (دانش‌پژوه، ج ۳، بخش ۱، ص ۳۶۲؛ ۳) النهج المستقیم علی طریقه الحکیم که شرحی بر عینیه ابن‌سیناست و احتمالاً آن را به اشتباه به [ابن] میثم بحرانی نسبت داده‌اند (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۴، ص ۴۲۴-۴۲۵؛ ۴) مفتاح الخیر فی شرح رساله الطیر که شرحی بر دیباچه رساله الطیر اثر عرفانی ابن‌سیناست (همان، ج ۲۱، ص ۳۲۹؛ ۵) قصه سلامان و ابسال که منتخب روایت حنین بن اسحاق از این داستان است با برخی حذف و اضافات. این کتاب، بدون ذکر نام نویسنده، در ذیل شرح اشارات طوسی به چاپ رسیده است (دانش‌پژوه، ج ۳، بخش ۱، ص ۲۶۰-۲۶۲).

منابع: محمد محسن آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۳۸۳/۱۴۰۳؛ حیدر بن علی آملی، کتاب جامع الاسرار و منبع الانوار، چاپ هنری کرین و عثمان اسماعیل بحیی، تهران ۱۳۲۷/۱۳۶۹؛ ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، چاپ مجتبی عراقی، قم ۱۳۸۳/۱۴۰۳؛ عبدالله بن عیسیٰ افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ محسن امین، اعیان الشیعه، دمشق ۱۹۳۵، ج ۴۱، ص ۲۷۳؛ علی بن حسن بحرانی، انوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الاحساء و البحرین، نجف ۱۳۷۷، ص ۶۱-۶۲؛ یوسف بن احمد بحرانی، لؤلؤة البحرین، چاپ محمد صادق بحرالعالم، نجف ۱۳۸۶/۱۹۶۶، ص ۲۵۳، ۲۶۴؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، امل‌الآمل، چاپ احمد حسینی، نجف ۱۳۸۵/۱۹۶۵، ج ۲، ص ۱۸۹؛ محمدنقی دانش‌پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۳؛ فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، تهران، بخش ۱، ۱۳۳۲ ش، بخش ۴، ۱۳۳۵ ش؛ محمدباقر بن محمدنقی